



موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته: علوم قرآنی

عنوان پایان نامه

نقش جنسیت در سرشت انسان از منظر قرآن کریم

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد نقیب زاده

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا امین

دانش پژوه

سیدمهدی میری پارسایی

اسفند ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس از این پایان نامه یا رساله برای مؤسسه آموزشی
و پژوهشی امام خمینی (ره) محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تقدیم بہ احیا کر فطرت پاک الہی
مکمل رسالت نبوی

خاتم الأئمة، حضرت ولی عصر (عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف)

تقدیر و تشکر

بعد بجا آوردن سجده‌ی شکر بر آستان حضرت دوست، توأم با هزاران درود بر محمد و آل پاکش، به رسم تواضع، لازم است به پیشگاه بزرگوارانی که در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، زمینه‌ی تدوین این پایان نامه را فراهم نمودند، سر تعظیم فرود آورده و خالصانه‌ترین سپاس‌ها را تقدیم نمایم. شایسته است از استاد محترم حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمد نقیب‌زاده که با بردباری کم‌نظیرشان، حقیر را از راهنمایی‌های خود بهره‌مند ساخته و بر غنای مطالب افزوده‌اند، نیز از استاد گرامی حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمدرضا امین که مدققانه در نگارش مطالب یاری رساندند، هم‌چنین از داور ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر جمشیدی که زحمت بررسی مطالب را به دوش کشیدند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. با افتخار بر دستانشان بوسه زده و آرزوی سلامتی و توفیقات روزافزونشان را خواستارم.

در پایان از همسر صبور و فداکار و فرزندان دلبندم که در طول نگارش این نگاشته، متحمل زحمات فراوانی گشته و خم به ابرو نیاوردند، صمیمانه سپاسگزارم. از خداوند منان برای همه عزیزان، بهترین‌ها را آرزومندم.

چکیده

یکی از مسائل مهم انسان‌شناسی که از دیرباز مورد توجه دانشمندان قرار داشته، مسئله‌ی سرشت انسان است. سرشت انسانی، اشاره به عناصر مشترک طبیعت انسانی دارد که از آغاز آفرینش، در همه انسان‌ها به ودیعه نهاده شده و عوامل محیطی و اجتماعی، سازنده یا از بین برنده آن نیستند و تعلیم و تربیت در پیدایش آن‌ها نقشی بازی نمی‌کند.^۱ سرشت انسانی، همان نحوه‌ی وجود اوست و اما امور سرشتی (اعم از استعدادها و فعلیت‌ها) مولفه‌های این نحوه‌ی وجود است که شامل بینش‌ها، گرایش‌ها، توانش‌ها و انفعالات می‌باشند. باید توجه داشت که بسیاری از مباحث علوم انسانی، مبتنی بر امور فطری است. از این رو در تحقیق پیش رو برآنیم با روش نقلی تحلیلی به مدد آیات و روایات از نقش جنسیت در سرشت انسان سخن بگوییم. زبان قرآن، از جمله زبان‌های جنسیتی محسوب شده و تعبیر و خطابات ظاهراً مردانه آن، طبق قاعده تغلیب، زنان را نیز در بر می‌گیرد. براین اساس، گرچه زنان و مردان دارای سرشت مشترکی هستند اما، بر اساس آیات و حتی پژوهش‌های میدانی و تحقیقات زیستی، زن و مرد، تفاوت‌های زیادی نیز در امور سرشتی دارند. یافته‌ها حاکی از آن است که کارکرد عقلی زنان و مردان در امور بینشی متفاوت است. تفاوت توانمندی‌های آنان از توانایی‌های متفاوت آنان خبر می‌دهد. زنان و مردان، در گرایش‌ها نیز، دارای اختلافاتی هستند و دامنه‌ی این اختلافات به بعد انفعالات نیز کشیده شده است. این تفاوت‌های تکوینی بر اساس رسالت اصلی آنان شکل گرفته است و به هیچ عنوان به معنای برتری یکی و فرودستی دیگری نمی‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جنسیت، بینش‌های سرشتی، توانش‌های سرشتی، گرایش‌های سرشتی، انفعال‌های سرشتی.

^۱ محمود رجبی، انسان‌شناسی، ص ۱۳۸

فهرست مطالب

تقدیر و تشکر.....	۷
چکیده.....	۸
فهرست مطالب.....	أ
فصل اول.....	۱
۱. کلیات.....	۲
۱-۱ مسئله تحقیق.....	۲
۱-۲ پیشینه تحقیق.....	۴
۱-۲-۱ پیشینه عام.....	۴
۱-۲-۲ پیشینه خاص.....	۶
۱-۳ پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق.....	۸
۱-۳-۱ پرسش اصلی.....	۸
۱-۳-۲ پرسش‌های فرعی.....	۸
۱-۴ ضرورت تحقیق.....	۸
۱-۵ روش تحقیق.....	۹
۱-۶ ساختار تحقیق.....	۹
۲. مفاهیم.....	۱۰
۲-۱-۱ مفهوم لغوی «نقش».....	۱۰
۲-۱-۲ معنای اصطلاحی «نقش».....	۱۱

۱۱	۲-۲-۱ مفهوم لغوی جنسیت
۱۱	۲-۲-۲ مفهوم اصطلاحی جنسیت
۱۲	۲-۳-۱ فطرت در لغت
۱۳	۲-۳-۲ فطرت در اصطلاح
۱۴	۲-۴-۱ سرشت در لغت
۱۵	۲-۴-۲ سرشت در اصطلاح
۱۶	۲-۵ تفاوت فطرت و طبیعت
۱۶	۲-۶ مفهوم‌شناسی ماهیت
۱۷	۲-۷ مفهوم‌شناسی طینت
۱۷	۲-۸ طینت، سرشت، فطرت
۱۸	فصل دوم
۱۹	۱. زبان قرآن
۲۰	۲. جنسیت در زبان عربی
۲۳	۴. گفتمان مردانه‌ی قرآن
۲۴	۴-۱ احتمال نخست
۲۴	۴-۲ احتمال دوم
۲۴	۴-۳ احتمال سوم
۲۵	۴-۴ احتمال چهارم
۲۷	۵. موضوع له الفاظ مذکر
۱۹	فصل سوم
۳۰	۱. سرشت انسان
۳۱	۲. قرآن و سرشت انسان
۳۲	۲-۱ آیات تذکره
۳۳	۲-۳ آیات میثاق

۳۴	۲-۴ آیه فطرت.....
۳۶	۲-۵ آیات توجه به خداوند در سختیها.....
۳۶	۲-۶ تبیین فطرت از راه محبت.....
۳۷	۳. سرشت مشترک زن و مرد.....
۳۹	فصل چهارم.....
۴۰	۱. بینش‌های سرشتی.....
۴۱	۲. مصادیق بینش‌های سرشتی.....
۴۱	۲-۱. مرتبه نخست: بینش‌های غیراکتسابی به معنای اخص.....
۴۱	۲-۱-۱. علم حضوری نفس به خود.....
۴۲	۲-۱-۱-۱. خودشناسی و جنسیت.....
۴۳	۲-۱-۲. علم معلول به مبدأ هستی خود.....
۴۴	۲-۱-۲-۱. دلالت آیه فطرت.....
۴۵	۲-۱-۲-۲. دلالت آیه میثاق بر خداشناسی فطری حضوری.....
۴۷	۲-۱-۲-۳. خداشناسی و جنسیت.....
۴۷	۲-۲. مرتبه دوم: بینش‌های بدیهی (بدیهیات).....
۴۸	۲-۲-۱. اولیات.....
۴۹	۲-۲-۲. مشاهدات.....
۴۹	۲-۲-۳. قضایای اخلاقی.....
۵۲	۲-۲-۴. بدیهیات و جنسیت.....
۵۳	۳. گزاره‌های دینی و تفاوت عقلی.....
۵۶	فصل پنجم.....
۵۷	۱. توانایی انسان.....
۵۸	۲. توانایی‌های مشترک زن و مرد.....

۵۸	۲-۱. کاربرد زبان.....
۵۸	۲-۲. تعلّم.....
۵۹	۲-۳. تحمّل تکلیف.....
۵۹	۲-۴. انتخاب گری.....
۶۰	۳. توانایی‌های متفاوت زن و مرد.....
۶۱	۳-۱. توانش تکثیر نسل.....
۶۱	۳-۱-۱. مردان و تکثیر نسل.....
۶۳	۳-۱-۲. زنان و تکثیر نسل.....
۶۴	۳-۲. توانش آرامش بخشی.....
۶۵	۳-۲-۱. زنان، آرامش بخش خانواده.....
۶۶	۳-۳. توانش مدیریت.....
۶۶	۳-۳-۱. مردان و سرپرستی زنان.....
۶۷	۳-۳-۲. مردان و حمایت مادی.....
۶۸	۳-۳-۳. مردان و حمایت معنوی.....
۷۱	۳-۳-۴. مردان و مسئولیت‌های اجتماعی.....
۷۲	۳-۳-۵. زنان و مدیریت منزل.....
۷۳	۳-۳-۶. مدیریت اقتصادی زن.....
۷۴	۳-۳-۷. مدیریت زن در تربیت فرزندان.....
۷۵	۴. ضعف توانشی زنان.....
۷۵	۴-۱. ظرفیت عقلی.....
۷۶	۴-۲. بیان استدلال.....
۷۷	۴-۳. گواهی دادن.....
۷۸	۵. توجه به ضعف زنان در آموزه‌های دینی.....
۸۰	فصل ششم.....
۸۱	۱. تمایلات اصلی انسان.....
۸۱	۱-۱. حب بقاء.....

۱-۱-۱. جنسیت و حب بقاء	۸۲
۲. حب کمال	۸۵
۲-۱ قدرت طلبی	۸۶
۲-۱-۱ جنسیت و استقلال طلبی	۸۶
۲-۱-۲ جنسیت و اعتماد به نفس	۹۰
۲-۱-۳ جنسیت و جاه طلبی	۹۱
۲-۲ حقیقت جویی	۹۳
۲-۲-۱ جنسیت و حقیقت جویی	۹۴
۳. لذت جویی	۹۵
۴. جنسیت و زینت طلبی	۹۶
فصل هفتم	۱۰۲
۱. عواطف	۱۰۳
۲. انفعالات	۱۰۴
۳. انواع انفعال	۱۰۵
۴. انفعالات مشترک	۱۰۶
۴-۱. غم و شادی:	۱۰۶
۴-۲. خوف و امنیت:	۱۰۶
۴-۳. امید و یأس:	۱۰۷
۴-۴. ندامت:	۱۰۷
۴-۵. خشم و خشنودی:	۱۰۸
۵. انفعالات متفاوت	۱۰۹
۵-۱. غم و شادی	۱۱۰
۵-۲. تعجب	۱۱۱

۱۱۲.....	۳-۵ ترس
۱۱۳.....	۴-۵ بخل
۱۱۴.....	۵-۵ خضوع
۱۱۶.....	۶-۵ حیا
۱۱۹.....	خاتمه
۱۲۰.....	۱. نتیجه گیری
۱۲۲.....	۲. پیشنهاد
۱۲۳.....	فهرست منابع
۱۲۴.....	کتاب فارسی
۱۲۶.....	کتاب عربی
۱۲۸.....	مقالات
۱۳۰.....	Abstract

فصل اول

کلیات و مفاهیم

کلیات

۱-۱ مسئله تحقیق

یکی از مسائل مهم انسان‌شناسی که از دیرباز مورد توجه دانشمندان قرار داشته، مسئله‌ی سرشت انسان است. واژه‌ی سرشت در فرهنگ فارسی معین، به معنای «فطرت، طینت، نهاد، خوی، خلق، طبیعت» آمده است. لغت‌نامه دهخدا از فرهنگ‌های مختلف، معانی «خلقت، طینت، مایه، طبع، طبیعت، خوی، خمیر، آفرینش، فطرت، جبلت، نهاد، خمیره، غریزه» را برای سرشت نقل کرده است.

حاصل این معانی، حاکی از آنست که؛ سرشت به چیزی گفته می‌شود که جزء ذات هر چیزی باشد نه از عوارض آن.^۲ سرشت انسانی اشاره به عناصر مشترک طبیعت انسانی دارد که از آغاز آفرینش، در همه انسان‌ها به ودیعه نهاده شده و عوامل محیطی و اجتماعی، سازنده یا از بین برنده آن نیستند و تعلیم و تربیت در پیدایش آن‌ها نقشی بازی نمی‌کند.^۳ در قرآن از «فطرت» به عنوان واژه معادل سرشت یاد می‌شود. گرچه برخی اندیشمندان میان سرشت و فطرت قائل به تفاوت‌اند، اما در مقابل، کسانی نیز فطرت و سرشت را مترادف هم دانسته‌اند. ما نیز این دو واژه را ترجمان هم در نظر گرفته‌ایم. در میان اصطلاحات مختلف فطرت، یکی از اصطلاحات آن، منطبق بر سرشت اصطلاحی مورد نظر ماست. بنابراین مقصود از فطرت و سرشت انسانی، مجموعه‌ای از استعدادها - اعم از جسمانی و روانی - و برخی فعلیت‌هاست که پیش از تأثیر محیط مادی و اجتماعی و به‌طور غیر اکتسابی در انسان‌ها موجود است.^۴ برحسب تعریفی دیگر در انسان‌شناسی اسلامی، به سرشت ازلی آدمی و چگونگی وجود او که منشأ پاره‌ای ادراک‌ها و احساس‌های متعالی است، فطرت اطلاق می‌شود.^۵

در داوری میان دو تعریف یادشده می‌توان گفت سرشت انسانی همان نحوه‌ی وجود اوست و اما امور سرشتی (اعم از استعدادها و فعلیت‌ها) آثار این نحوه‌ی وجود است. سرشت انسان، متشکل از امور چهارگانه‌ی بینش‌ها، گرایش‌ها، توانش‌ها و انفعالات است. مقصود از انفعالات، حالاتی است که به دنبال احساس یا ادراک به انسان دست می‌دهد. هرکدام از این چهار مؤلفه، ممکن است از امور

^۲ عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، سرشت انسان در اسلام و مسیحیت، ص ۱۶

^۳ محمود رجبی، انسان‌شناسی، ص ۱۳۸

^۴ احمد واعظی، انسان از دیدگاه اسلام، ص ۶۶ و ۶۷.

^۵ علی اکبر رشاد، «فطرت به مثابه دال دینی»، قبسات، تابستان ۱۳۸۴ ش، شماره ۳۶

مشترک میان انسان و سایر حیوانات باشند که در اصطلاح، با عنوان «غرایز» شناخته می‌شوند و ممکن است از امور مختص به انسان باشند که برحسب یک اصطلاح در انسان‌شناسی با تعبیر «فطرت» از آن یاد شده است. در این پایان‌نامه از میان اصطلاحات مختلف فطرت، آن اصطلاحی مورد نظر است که با سرشت انسان برحسب تعریفی که در بالا گذشت تطابق دارد. طبعاً مقصود از امور فطری همان امور چهارگانه‌ی سرشتی (بینش‌ها، گرایش‌ها، توانش‌ها و انفعالات) است.

گرچه حقیقت آدمی را روح او تشکیل می‌دهد اما مکاتب گوناگون در مورد حقیقت زن و مرد، دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

برخی بر تفاوت اساسی زن و مرد تاکید دارند. در مقابل، کسانی معتقدند که تفاوت میان زن و مرد آن‌قدر ناچیز است که به حساب نمی‌آید. بر اساس آموزه‌های اسلامی و منطق قرآنی، زن و مرد از حقیقت و سرشتی واحد برخوردارند؛ یعنی گوهر وجودی و انسانی آنان تفاوت ندارد (یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً)^۶ و تقسیم انسان به مؤنث و مذکر، مقتضی اشتراک آن دو در برخورداری از انسانیت است. (یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى)^۷. قرآن کریم به طور صریح زنان و مردان را مخاطب قرار داده و در انجام تکالیف الهی، اختیار، دریافت پاداش، کمالات اخلاقی و رشد معنوی، فرقی میان آنان نگذاشته و هر دو جنس مورد تکریم الهی قرار گرفته‌اند (احزاب، ۳۵؛ انسان، ۳؛ نحل، ۳۵؛ اسراء، ۷۰).^۸

با توجه به این آیات، تفاوتی در اصل سرشت انسانی میان زن و مرد وجود ندارد اما بر اساس برخی آیات دیگر و حتی پژوهش‌های میدانی و تحقیقات زیستی، زن و مرد، تفاوت‌های زیادی در امور سرشتی دارند. تفاوت در کارکرد عقلی، عواطف و احساسات از آن جمله هستند. این تفاوت‌ها ناشی از چیست؟ نقش جنسیت در امور سرشتی آنان، اعم از بینش‌ها، گرایش‌ها، توانش‌ها و انفعالات چیست؟

با عنایت به اینکه قرآن، منبعی یقینی، الهی و جامع محسوب می‌شود، در این پژوهش بر آنیم، نقش جنسیت در سرشت آدمی را، در ابعاد بینشی، گرایشی، توانشی و انفعالی، از نگاه قرآن مورد بررسی قرار دهیم. جنسیت در امور سرشتی زن و مرد، اعم از بینش‌ها-گرایش‌ها-توانش‌ها و انفعالات، چه نقشی دارد؟

^۶ نساء، ۱

^۷ حجرات، ۱۳

^۸ علی، احمد پناهی، روان‌شناسی زن و مرد، ص ۱۲۳

۱ پیشینه تحقیق

جستجوهای انجام گرفته حاکی از آن است؛ منبع مستقلی در این باره یافت نشد، اما برخی منابع بطور ضمنی از این مسئله سخن رانده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از؛

۱-۲-۱ پیشینه عام

۱. فطرت، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۵

کتاب با مفهوم شناسی واژه فطرت آغاز شده، در ادامه فطریات انسان را مورد بررسی قرار داده و با فطری بودن دین مطالب را به پایان رسانده است.

۲. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ سی و پنجم، ۱۳۸۲

کتاب علاوه بر پیشگفتار، دارای یازده بخش است؛ صفحات ۱۱۱ تا ۱۳۸ بخش پنجم به مقام انسانی زن از نظر قرآن و بخش هفتم از صفحه ۱۵۷ تا ۱۷۲ به تفاوت‌های زن و مرد پرداخته است. در بخش پنجم، به یکسان بودن سرشت و پاداش اخروی زن و مرد اشاره دارد و وجود زن را برای مرد خیر می‌داند. در بخش هفتم نیز تفاوت‌های زن و مرد از لحاظ جسمی، روانی و احساسات را ناشی از تناسب دانسته است. همانطور که ملاحظه فرمودید، ایشان هیچ اشاره‌ای به نقش جنسیت در سرشت انسان نداشته‌اند.

۳. فطرت در قرآن، عبدالله جوادی آملی، انتشارات اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۴

کتاب، در سه بخش تدوین شده است. بخش اول؛ مبادی و کلیات فطرت در قرآن، بخش دوم؛ فطری بودن بینش و گرایش به خدا و دین در قرآن و بخش سوم؛ عوامل و موانع شکوفایی فطرت در انسان.

۴. چیستی انسان در اسلام، محمد تقی سهرابی فر، چاپ نهم، ۱۳۹۴

بخش اول کتاب با عنوان انسان شناسی و فطرت طی هشت فصل به مباحث مهمی از فطرت و سرشت اختصاص یافته است.

۵. سرشت انسان پژوهشی در خداشناسی فطری، علی شیروانی، نشر معارف، ۱۳۷۶

در این کتاب مباحثی مانند انسان شناسی اسلام، روش‌های بازشناسی امور فطری، اقسام امور فطری، خدا در فطرت، فطرت در قرآن، ماهیت خداشناسی فطری، مقایسه‌ی برهان فطرت با برهان اخلاقی و برهان تجربه‌ی دینی و برهان فطرت در اندیشه‌ی غرب مورد بررسی قرار گرفته است

۶. فطرت و دین، علی ربانی گلپایگانی، کانون اندیشه جوان، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۰.

عناوین فصول عبارتند از: ۱. تعریف و ویژگی‌های فطرت ۲. فطرت و معرفت ۳. تمایلات و گرایش‌های فطری ۴. راه اثبات فطریات ۵. قرآن و معرفت فطری ۶. هدایت و معرفت فطری در احادیث ۷. فطرت و خداشناسی ۸. فطرت و تجربه دینی ۹. فطرت و شریعت ۱۰. فطرت و اخلاق

۷. مبانی انسان‌شناسی در قرآن، عبدالله نصری، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۲

این کتاب در حدود شصت صفحه به بحث طبیعت و فطرت انسان پرداخته اما بیشتر به خصوصیات از طبیعت مثبت و منفی انسان توجه کرده و آن موارد را بسط داده است اما سایر مباحث یا مطرح نشده، یا بطور اجمال به آن پرداخته شده است.

۸. انسان‌شناسی، محمود رجبی، انتشارات موسسه امام، چاپ بیستم، ۱۳۹۴

فصل پنجم این کتاب با عنوان سرشت انسانی طی بیست صفحه مباحث نسبتاً مختصری در باب سرشت دارد.

۹. انسان از دیدگاه اسلام، احمد واعظی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ هجدهم، ۱۳۹۴.

در فصل سوم با عنوان طبیعت و سرشت آدمی حدود سی صفحه به برخی از مباحث سرشت پرداخته است. ۱. مراد از طبیعت مشترک ۲. روش شناخت طبیعت انسان ۳. آثار و نتایج وجود طبیعت مشترک ۴. انکار طبیعت مشترک ۵. ادله اثبات طبیعت مشترک ۶. مراد از فطرت الهی بشر ۵. بالقوه بودن فطرت ۶. امکان زوال فطرت ۶. فطرت و شخصیت ۷. نیک سرشتی بشر.

همانطور که ملاحظه شد، کتاب‌های ذکر شده به نقش جنسیت در سرشت انسان اشاره نداشته‌اند.

۱۰. سرشت انسان در اسلام و مسیحیت عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۸۹.

این کتاب با هدف مقایسه دو مکتب، به نقاط تمایز دو دیدگاه (اسلام و مسیحیت) پرداخته و ناظر به مباحثی بوده که در دو دیدگاه اشاره شده است. از این رو به بحث‌های متعددی که در قرآن اشاره شده و کتب مقدس مطرح نکرده نپرداخته است.

۲-۱-پیشینه خاص

۱. زن در آینه جلال و جمال الهی، عبدالله جوادی آملی، انتشارات اسراء، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۱
فصول چهارگانه کتاب عبارتند از: مقدمه، زن در قرآن، زن در عرفان، زن در برهان و پاسخ به شبهات.
صفحه ۴۰ مبدأ آفرینش زن و مرد را یکی دانسته است. صفحه ۶۹ به یکسان بودن حقیقت انسان که روح
اوست اشاره دارد. در صفحه ۷۶ روح را اصیل دانسته و قائل به فرعیت بدن شده است از این رو در صفحه
۸۲ دستیابی به ارزشها را متأثر از جنسیت نمی‌داند.

در فصل سوم از صفحه ۲۰۶ تا ۲۳۲ تفاوت‌های زن و مرد را برای تسخیر، خدمت متقابل و اداره نظام
احسن، ضروری دانسته و معتقد است که تفاوت احتمالی زن و مرد از نظر عقلی، در محدوده عقل
ابزاری است که فضیلت زائدی محسوب می‌شود.

پرداختن به بعد بینشی مسأله توسط مؤلف محترم ما را از پراختن به سایر ابعاد سرشت بی‌نیاز نمی‌سازد.

۲. جنسیت و نفس، ویراسته هادی صادقی، مرکز نشر هاجر، چاپ اول، ۱۳۹۱

کتاب مذکور با گفتارها و گفت‌وگوهایی از اساتید و دانشوران، سعی بر آن داشته تا موضوع جنسیت و
نفس را از نگاه فلسفه اسلامی مورد نقد و بررسی قرار دهد.

گرچه مطالب کتاب قابل استفاده است، اما رویکرد آن فلسفی است، حال آن که رویکرد ما به توفیق
الهی، قرآنی خواهد بود.

۳. زن در اسلام، فریبا علاسوند، مرکز نشر هاجر، چاپ دوم، ۱۳۹۱.

کتاب شامل هفت گفتار است. جایگاه انسانی و ارزشی زن، تفاوت‌های تکوینی زن و مرد، هویت و
نقش‌های جنسیتی، نسبت میان زن و مرد از جمله گفتارهایی است که می‌تواند با موضوع ما مرتبط
باشد. مطالعه اجمالی کتاب گویای آن است که ایشان کارکرد عقلی را مورد توجه قرار داده است.
بنابراین بررسی سایر ابعاد، تحقیق مجزایی را می‌طلبد.

۴. جستاری در هستی‌شناسی زن، اسدالله جمشیدی و دیگران، موسسه امام خمینی (ره)، چاپ

سوم، ۱۳۸۸

کتاب در دو فصل تدوین شده است. فصل اول، به مشترکات تکوینی زن و مرد، در برخورداری از گوهر انسانی-هدف غایی آفرینش-همگونی کمال، پرداخته شده است. فصل دوم، تفاوت‌های تکوینی زن و مرد در سه بخش ادراک-عواطف و انفعالات-میل و گرایش را دنبال نموده است.

گرچه کتاب، اشتراکاتی با پایان‌نامه دارد، اما تفاوت رویکرد، موجب تمایز پژوهش ماست؛ بنابراین کتاب مذکور، ما را از انجام پژوهش نو باز نمی‌دارد.

۵. شخصیت زن در قرآن کریم و عهدین، مظاهری، حبیب، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰

مؤلف محترم در سه بخش به مقایسه شخصیت زن از نگاه قرآن و عهدین پرداخته است. گرچه در صفحات ۸۰-۱۰۳ به این موضوع پرداخته که آیا در سرشت انسانی بین زن و مرد تفاوتی وجود دارد؟ ایشان نقش جنسیت در سرشت انسان را در همه ابعاد بینشی، گرایشی، کنشی و انفعالی مورد بحث قرار نداده است. علاوه بر این که رویکرد کتاب یادشده همان‌گونه که از نام آن پیداست رویکرد تطبیقی میان قرآن و عهدین بوده است اما تحقیق حاضر، بر بررسی دیدگاه قرآن تمرکز دارد.

۶. روان‌شناسی زن و مرد، علی احمد پناهی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۶.

هشت فصل گردآوری شده کتاب عبارت‌اند از: کلیات، مبانی انسان‌شناختی زن و مرد، مبانی زیست‌شناختی، تفاوت‌های زن و مرد در نظریه‌های روان‌شناسی، توانایی‌های شناختی زن و مرد، جنسیت و توانایی‌های ارتباطی، جنسیت و عواطف، جنسیت و اخلاق. همان‌گونه که از عناوین فصول پیداست، همه ابعاد سرشتی انسان مورد بررسی قرار نگرفته است. از میان ابعاد سرشتی انسان، تنها به نقش جنسیت نسبت به عواطف و از میان کنش‌ها به نقش جنسیت در تفاوت‌های اخلاقی با بهره‌گیری از تحقیقات علمی و استفاده از آموزه‌های اسلامی اشاره شده است؛ بنابراین گستره و محدوده بحث و نیز رویکرد پژوهش ایشان با تحقیق ما متفاوت است.

۷. پایان‌نامه‌ی انسان‌شناسی از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، حشمت‌الله جعفری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی.

در فصل دوم از صفحه ۳۵ تا صفحه ۳۹ به مسئله جنسیت و جایگاه فرعی آن در حقیقت انسان پرداخته است. این پایان‌نامه بطور مختصر و گذرا به موضوع ما پرداخته‌اند.

نه تنها هیچ‌یک از این منابع تمام زوایای مسئله ما را بررسی نکرده‌اند، بلکه مجموع آن‌ها نیز از همه زوایای این مسئله سخن نگفته‌اند، آثار مربوط، تنها در چند صفحه، آن‌هم به‌طور اجمالی و محدود، بخشی از این مسئله را بررسی کرده‌اند.

از این رو جای خالی یک تحقیق جامع پیرامون نقش جنسیت در سرشت انسان احساس می شود که ما در این تحقیق سعی داریم به آن بپردازیم.

۱ پرسش های اصلی و فرعی تحقیق

۱-۳-۱ پرسش اصلی

جنسیت در سرشت انسان چه نقشی دارد؟

۱-۳-۲ پرسش های فرعی

۱. جنسیت در بینش های سرشتی انسان چه نقشی دارد؟

۲. جنسیت در گرایش های سرشتی انسان چه نقشی دارد؟

۳. جنسیت در توانش های سرشتی انسان چه نقشی دارد؟

۴. جنسیت در انفعالات سرشتی انسان چه نقشی دارد؟

۱ ضرورت تحقیق

مسئله ی سرشت نه تنها از حیاتی ترین مسائل معارف ماست، بلکه در میان دانشمندان غربی نیز، به صورت جدی مطرح است. گرچه برخی اندیشمندان غربی از اساس منکر وجود سرشت برای انسان شده اند که خود، ضرورت طرح اصل این موضوع را می رساند، از سوی دیگر برخی روان شناسان غربی تصریح کرده اند در آینده ای نزدیک، مبارزه ای شدید درباره سرشت انسان بین رویکردهای مختلف روان شناختی درخواهد گرفت.^۹ به هر حال مسئله ی سرشت، که به تعبیر استاد مطهری «امّ المسائل» معارف ماست،^{۱۰} مورد غفلت واقع شده، بطوریکه ایشان این گونه ابراز تأسف می کند: با اینکه در قرآن از فطرت یاد شده است ولی هرچه انسان جستجو می کند در هیچ جا یک بحث جامعی راجع به آن پیدا نمی کند.^{۱۱}

^۹ رولامی به نقل از حسین شکر کن و دیگران، مکتب های روان شناسی و نقد آن، ج ۲، ص ۲۶۴

^{۱۰} مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲ ص ۶۳.

^{۱۱} مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۳ ص ۵۷۹.

بررسی‌ها حاکی از آنست که بسیاری از مباحث علوم انسانی مبتنی بر امور فطری است. فطرت در معرفت‌شناسی یکی از منابع شناخت، در روان‌شناسی و علوم رفتاری یکی از عوامل جهت‌دهنده به رفتار است. در اخلاق و فلسفه اخلاق این سؤال مطرح است که آیا خلق‌وخوی انسان ناشی از عوامل فطری است؟ علاوه بر این در تکوین نظام اخلاقی اسلام نیز نقش‌آفرین است، بطوریکه یکی از مسائل مورد توجه علم کلام، بررسی حسن و قبح عقلی و سرشت خدایی انسان و جایگاه اختیار در سرشت انسان است. در مدیریت، نقش فطرت در مدیریت رفتار انسان مورد توجه قرار گرفته، در حقوق، تاثیر ویژگیهای سرشتی بر ارتکاب جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. در علوم تربیتی نیز، نقش سرشت در تربیت کودک و استنتاج دلالت‌های تربیت اخلاقی، دارای جایگاه ویژه‌ای است. در شکل‌گیری شخصیت هر فرد، افزون بر عوامل ژنتیکی، جغرافیایی، محیطی و رفتار فرد، سرشت نیز نقش اساسی بر عهده دارد.

در میان مباحث مطرح‌شده در باب سرشت، نقش جنسیت مورد توجه چندانی قرار نگرفته است. تبیین دقیق و عالمانه این مسئله، مانع از خطای شناختی، رفتاری و تحلیلی شده، شناخت افراد از یکدیگر را بالا برده، روابط را تسهیل نموده و تنش‌ها را کاهش می‌دهد. هم‌چنین، آگاهی از توانمندی‌های ویژه زن و مرد باعث می‌شود که هریک از آنان در نقش و جایگاهی متناسب قرارگیرند و استعدادهای خود را در آن عرصه‌ها شکوفا کنند و خود نیز از رضایتمندی برخوردار شوند.^{۱۲}

پس با توجه به امور زیر ضرورت این پژوهش اثبات می‌شود ۱. اهمیت ذاتی مسئله و تاثیر آن در علوم و زندگی انسان‌ها ۲. چنانچه در پیشینه ثابت شد نه تنها منبع مستقلى نیست، مجموع منابع نیز به آن نپرداخته‌اند.

۱ روش تحقیق

روش انجام پژوهش، نقلی تحلیلی مبتنی بر تفسیر موضوعی قرآن کریم و گردآوری اطلاعات در آن به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری است.

۱ ساختار تحقیق

در این پایان‌نامه، پس از بیان مفاهیم و کلیات و تبیین واژگان کلیدی، با توجه به اشتراک تعبیر زنان و مردان در قرآن، به اثبات سرشت مشترک زن و مرد پرداخته و پس از آن، نقش جنسیت در سرشت

^{۱۲} علی احمد پناهی، روان‌شناسی زن و مرد، ص ۱۰۰

انسان در چهار بعد بینش‌ها، گرایش‌ها، توانش‌ها و انفعالات از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۴ مفاهیم

در اینجا برای بیان مقصود خود از واژگان «نقش»، «جنسیت»، «سرشت»، «فطرت» و کلمات متناظر آن خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲ مفهوم لغوی «نقش»

بنا به گفته ابن فارس، «ن ق ش» بر استخراج چیزی دلالت دارد، به طوری که چیزی از آن باقی نماند. از این رو به کندن مو توسط موچین، تمیزکردن آغل گوسفند از خار و خاشاک و تحسین نمودن چیزی به همراه نفی معایش «نقش» گویند. برهمین اساس، به محاسبه‌ی دقیقی که چیزی از آن باقی نماند «مناقشه» گفته می‌شود. «زدن رطب با خار، مثل، صورت» نیز از معانی دیگر آن دانسته شده است.^{۱۳} برخی لغت‌شناسان این واژه را به معنای «هنر و حرفه‌ی نقاش»^{۱۴}، حکاکی روی انگشتر^{۱۵}، اثر^{۱۶} نیز به کار برده‌اند.

در فرهنگ لغت فارسی، این‌گونه معنا شده است: «نگاشتن، نگارش، کندن نگین، حفره، نگار کردن چیزی به دو یا چند رنگ و زینت کردن آن، نشان و اثر گذاشتن در روی زمین و این معنای اصلی کلمه است. به خار زدن خوشه‌ی خرما تا زود رطب گردد، نهایت آشکار کردن چیزی، استقصا کردن در کشف چیزی، پاکیزه کردن خوابگاه گوسفند از خار و خس، برکندن موی به منقاش، بیرون کردن خار از پای، خرمای خشک در انبان نهاده و آب بر آن پاشیده».^{۱۷} ما در این تحقیق از میان معانی ذکر شده، معنای «اثر» را اختیار کرده‌ایم.

^{۱۳} احمد بن فارس بن زکریا بن حبیب رازی، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۷۰.

^{۱۴} خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۴۱.

^{۱۵} اسماعیل بن ادريس طالقانی، المحيط فی اللغة، ج ۵، ص ۲۳۹.

^{۱۶} ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۹۴۶.

^{۱۷} علی اکبر دهخدا، فرهنگ لغت دهخدا، ذیل ماده نقش.

۲-۱-۲ معنای اصطلاحی «نقش»

گرچه در برخی از علوم همچون جامعه‌شناسی، نقش به وظایف و انتظارات جامعه از افراد تعریف شده است،^{۱۸} اما مراد ما از «نقش» در اینجا، همان معنای لغوی آن است؛ یعنی آیا جنسیت بر روی سرشت اثری دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، چه آثاری دارد؟

۲-۲-۱ مفهوم لغوی جنسیت

در لغت‌نامه‌های فارسی، جنسیت به معانی زیر به کار رفته است: «همجنسی، حالت و کیفیت جنس، رجولیت یا آنوثیت افراد»^{۱۹}، چگونگی جنس، زن یا مرد بودن افراد»^{۲۰} بنابراین، جنسیت در لغت، برای اشاره به مرد یا زن بودن افراد به کار می‌رود. در زبان انگلیسی تا پیش از سال ۱۹۶۰، دو واژه جنس و جنسیت برای اشاره به مفهوم زن، مرد و خنثی به کار می‌رفت، اما فمینیست‌ها از سال ۱۹۶۰ به تدریج واژه «sex» را برای اشاره به جنس زن و مرد و با توجه به تفاوت‌های آناتومی، به کار بردند و واژه «gender» به معنای جنسیت را برای اشاره به ویژگی‌های متفاوت روان‌شناختی و رفتاری که در چارچوب جامعه و فرهنگ خاصی شکل گرفته است، استفاده کرده‌اند.

۲-۲-۲ مفهوم اصطلاحی جنسیت

واژه «جنسیت» در ادبیات مطالعات زنان، برای اشاره به ویژگی‌هایی به کار می‌رود که، در نتیجه‌ی تاثیر عوامل زیستی، اجتماعی و فرهنگی، در هر یک از دو جنس مرد و زن به طور متفاوت بروز می‌کنند و در مقابل، مراد از واژه «جنس» ویژگی‌های زیست‌شناختی متفاوت مرد و زن است. به دیگر سخن، جنس، واژه‌ای است با مفهوم نسبتاً محدود که صرفاً به ویژگی‌های بیولوژیکی که مادرزادی و ژنوتیپ هستند، اشاره دارد، مانند کروموزوم‌های جنسی یا ارگان جنسی؛ در مقابل، جنسیت مفهوم گسترده‌ای دارد و به ویژگی‌های روان‌شناختی و طبقه‌بندی‌های اجتماعی شکل گرفته در فرهنگ انسانی و اجتماع اشاره دارد. در مطالعات جامعه‌شناختی، نیز «جنس» و «جنسیت» را در دو معنای متفاوت به کار می‌برند:

^{۱۸} حمید عضدانلو، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ص ۱۴۷.

^{۱۹} علی اکبر دهخدا، فرهنگ لغت دهخدا، مدخل ج.

^{۲۰} محمد معین، فرهنگ لغت معین، مدخل ج.